

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم. شماره سیزدهم. پاییز ۱۳۹۱

صفحات: ۶۹ - ۵۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۵/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۷

نقش و جایگاه زن در نهضت فلسطین

محمد رضا علم*

سمیره حزباوی**

منا حمیدی نسب**

چکیده

بیش از شش دهه از حرکت و جنبش ملت فلسطین در مقابل اسرائیل و حامیان قدرتمند او می‌گذرد؛ در این مدت طولانی بارها و بارها مردم جهان شاهد بروز ظهور و حماسه‌هایی از مقاومت پایداری فلسطینی‌ها بوده‌اند. بطوریکه اخبار مربوط به جنبش در صدر همه خبرها و تحولات منطقه ای و جهانی قرار گرفته است. در این مدت جهانیان شاهد صحنه‌های بسیار غم‌انگیز و تأثیر آوری نیز بوده‌اند که افکار عمومی‌ملتها را تحت تأثیر قرار داده است. سؤال این است که این مقاومت طولانی از چه عوامل و اهرمهایی بهره مند بوده که تا شصت سال دوام آورده است. قدر مسلم آنچه که به عنوان یکی از عوامل مهم گسترش و پایداری این مقاومت را شکل داده است حضور زنان فلسطینی در نهضت و نقش و جایگاه آنان در تداوم این قیام بوده است. در مقاله حاضر تلاش شده است که نقش و جایگاه زن فلسطینی در روند گسترش، تداوم و دیرپایی قیام فلسطین تبیین گردد. به عنوان مثال می‌توان از فعالیت‌های نظامی، فرهنگی و تأسیس سازمان‌های خودگردان نام برد.

کلید واژگان: نهضت فلسطینی، زن فلسطینی.

* دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشیار گروه تاریخ، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول، yahoo.com@۳۶.maalam)

** دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات خوزستان، دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی، اهواز، ایران.

مقدمه

در طول تاریخ بشریت، زنان در بسیاری از حرکت‌های اجتماعی - سیاسی و در همه انقلاب‌ها و نهضت‌ها خصوصاً اسلامی دارای نقش محوری اعم از مثبت و منفی بوده‌اند. زنانی که نقش مثبت داشته‌اند در پیروزی نهضت‌ها یا حرکت‌های اسلامی و انقلاب‌ها بسیار موثر بوده‌اند و در طول تاریخ، زنانی بوده‌اند که نقش اساسی را در شکل‌گیری و ادامه حرکت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته‌اند به عنوان مثال انتفاضه فلسطین با حرکت شجاعانه یک دختر به نام "عطاف علیان" آغاز شد. با نگاهی به علل به وجود آمدن جنگ‌ها و جنبش‌ها در اقصی نقاط جهان و در دوران‌های مختلف تاریخ با مجموعه‌ای از زنان مواجه می‌شویم که هر کدام از آن‌ها دلایلی برای مقاومت و ایستادگی داشته‌اند. از جمله تحولاتی که به گونه گسترده‌ای بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان تاثیر نهاده است، مسئله نهضت فلسطین می‌باشد. موضوع فلسطین امروزه نه تنها به مهم‌ترین مسأله کشورهای اسلامی و منطقه تبدیل شده است، بلکه به عنوان یک مسئله بین‌المللی در سطح مردم و کشورهای مختلف جهان در آمده است. فلسطینیان از همان ابتدا در برابر قیمومیت بریتانیا و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، پایداری و مقاومت کردند و برای دفاع از زمین و پاسداری از مقدسات، گروه‌های جهادی تشکیل داده، تظاهرات و اعتصاب‌های عمومی به راه انداختند. به عنوان مثال می‌توان از قیام‌های ۱۹۲۰، ۱۹۲۳ و ۱۹۲۹ معروف به انقلاب براق، تشکیل گروه‌های اسلامی - جهادی برای نبرد با انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها در سال ۱۹۳۵ و تشکیل انتفاضه اول و دوم در سال‌های ۱۹۴۸ نام برد. زنان فلسطین همچون سایر اقشار جامعه در مقاومت شرکت کردند. در حالی که نبرد شدیدتر شده و مردان جوان جهت مقابله با اهداف صهیونیستی وارد نیروهای نظامی می‌شدند؛ زنان جوان بسیاری نیز به مراتب مختلف به صفوف نیروهای مقاومت راه یافتند. در دوران دفاع ملت فلسطین، نقش زنان کمتر از مردان آن دیار نبوده است، که نگاهی گذرا بر کارنامه انتفاضه موید این مدعاست. بیش از هر چیز، مهم است که نقش زنان فلسطینی در انتفاضه و نیز تاثیر انتفاضه بر روی این قشر از جامعه، مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به آنچه گفته شد، هدف نوشتار حاضر پاسخ به این پرسش می‌باشد که نقش و جایگاه زن در فلسطین طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۴۸م براساس چه ماهیت و کارکردی بوده است؟ همچنین ماهیت فعالیت‌های سیاسی آنان در دوره‌ی مذکور، بر چه مبنایی می‌باشد؟ براین اساس، مشارکت زنان فلسطین در جنبش، جایگاه سیاسی زنان در تحولات فلسطین، نقش زنان در انتفاضه اول و موقعیت زن فلسطینی بعد از تشکیل حکومت خود گردان در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

طرح مسئله

سأله‌است که منطقه‌ی خاورمیانه یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان بوده که با چند مشکل مهم و اساسی مواجه است. مهم‌ترین و بارزترین ریشه‌ی بحران این منطقه مسأله فلسطین است که واقعه‌ای داخلی محسوب نمی‌شود بلکه به عنوان مهم‌ترین مسئله جهان اسلام می‌باشد و از سوی دیگر یکی از اساسی‌ترین چالش‌های سیاست خارجی قدرتهای بین‌المللی به شمار می‌رود. در این میان نسل نوحاسته فلسطین از جمله زنان نه تنها تسلیم وضع موجود نشده‌اند، بلکه با الهام گرفتن از انگیزه‌های اسلامی، تمسک به

ایمان دینی و ورود در عرصه ی جهاد و مبارزه عزم خود را برای استقامت و ایستادگی جزم ساخته اند. مبارزات زنان به دو دوره ی قیمومیت بریتانیا بر اراضی فلسطین برمی گردد که همزمان با صدور اعلامیه ی "بalfour" (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۱) در خصوص تشکیل دولت یهود و احساس خطر از سوی فلسطینیان، زنان نیز فعالیت های سیاسی خود را در اشکال گوناگون آغاز نمودند. در سال ۱۹۲۹ برای اولین بار در تاریخ فلسطین، سیصد زن فلسطینی از مناطق گوناگون همایشی را برگزار نمودند و ضمن آن اعتراض خود را به نامه ی مذکور اعلام داشتند. آنان در دوره قیام عزم الدین قسام همسران و فرزندان خود را در پیوستن به نیروهای قسام تشویق می کردند و خود نیز به مبارزاتی که در کوه ها کمین کرده بودند، آب و غذا و همچنین سلاح می رساندند و به درمان آنان نیز مبادرت می ورزیدند. (ولایتی، ۱۳۸۰: ۱۷۵)

در سال ۱۹۳۶ برای نخستین بار، آنان در مبارزات مسلحانه شرکت جستند و فاطمه غزاله اولین زنی بود که به دست نیروهای بریتانیایی به شهادت رسید (الخلیلی، ۱۹۸۱: ۱۲۱). در همان سال، زنان فلسطین با ارسال نامه ای به "کنفرانس جهانی صلح" در بروکسل، خواستار توقف مهاجرت یهودیان به وطنشان شدند و با شرکت در کنفرانس های کشورهای عربی، که در حمایت از مبارزات فلسطین برگزار می شدند، حضور سیاسی خود را تحکیم بخشیدند. اتحادیه عمومی زنان فلسطین در سال ۱۹۶۵ فصل نوبنی از استراتژی مبارزه و مقاومت را نوید می بخشید. این اتحادیه تنها نماینده ی قانونی زنان فلسطین بود که صفوف مبارزه آنان را سازمان دهی می کرد و آن ها را برای شرکت در فعالیت های سیاسی - اجتماعی آماده می نمود.

مرحله اول: پیشینه حضور تاریخی - سیاسی زن فلسطین

در صد سال اخیر زنان نقش های گوناگونی در سیستم سیاسی فلسطین ایفا کردند. شرکت آنان در تظاهرات، راهپیمایی ها و حرکت های اعتراض آمیز علیه اسرائیل در انتفاضه رشد چشمگیری داشته است که این مشارکت سیاسی به شیوه های مختلف اعمال می گردید (الخلیلی، ۱۹۷۶: ۱۳۵). در سال ۱۹۴۸ گروه سری و محرمانه ای به نام "زهره الاقحوان" برای مقاومت در برابر استعمارگران تاسیس گردید که فعالیت های خود را بین اعضای خود در قالب تشکیلات امدادسانی و خدمات (غذا و اسلحه) تقسیم کرد. از اعضای این گروه: عادلہ فطایری، ویسری طوقان، فاطمه ابوالهدی، و جهینه و عربیه خورشید را می توان نام برد. این فرقه، مواضع و موقعیت روشن و مشخصی نسبت به اشغال فلسطین توسط اسرائیل داشت (الزبیر، ۱۹۸۱: ۱۹۸). در مورد نقش سیاسی زنان فلسطین در دوره استعمار انگلستان، شکاف روشن و مشخصی را در می یابیم. در حالی که نقش نخبگان سیاسی با تکیه بر امدادسانی، نوشتن و پخش دست نوشته های اعتراض آمیز، تنظیم تظاهرات در شهرها و رسیدگی به شرایط زندانیان و بر آورد نیازها و احتیاجات خانواده هایشان انجام می پذیرفت در می یابیم که نقش زنان در روستاها متفاوت بوده و تقویت

۱. Balfour Declaration: نامه ای تاریخی که در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ میلادی توسط آر تور جیمز بالفور، وزیر وقت بریتانیا، خطاب به والتر روتشیلد نوشته شده و در آن از موضع مثبت دولت بریتانیا مبتنی بر «ایجاد خانه ملی برای یهودیان در فلسطین» خبر داده شد.

۲. World Peace Conference

نقش انقلابیون، طولانی کردن مدت انقلاب مسلحانه و کمک به آنان به وسیله رساندن مواد غذایی از جمله فعالیت ها و مشارکت سیاسی زنان در روستا بود چنان که زنان در دفاع از روستاها و خانواده هاشان تردید نمی کردند (جاد، ۲۰۰۴: ۸۹).

مشارکت زنان فلسطینی در فعالیت های انقلابی بخصوص در تظاهرات بصورت محدود و مستقل صورت می پذیرفت که همین امر برای آنان این موقعیت را ایجاد می کرد که در فعالیت های انقلابی و ناسیونالیستی بصورت گسترده مشارکت داشته باشند (الخلیلی، ۱۹۷۶: ۱۳۹). زن فلسطین سهمیم بودن خود را در روند نهضت انتفاضه به صورت فعال در قالب اتحادیه ها و انجمن هایی که خدمات اجتماعی و بهداشتی و فرهنگی و تعلیمی را برای خانواده های اسیران فلسطینی ارائه می دادند، آغاز کردند و دهها انجمن خیریه در شهرهای مختلف تاسیس کردند که بعضی از آنها با هدف تنظیم و هماهنگ کردن مشارکت سیاسی زنان برپا شدند (جاد، ۱۹۹۹: ۲۴). به تدریج شیوه های فعالیت و مشارکت زنان در عرصه سیاسی و انقلاب با توجه به افزایش وظایفشان، از ابعاد وسیع تری برخوردار می شد از جمله این فعالیت ها می توان به تاسیس "خانه کودک" توسط هندالحسینی در سال ۱۹۴۸ برای مراقبت از فرزندان شهداء در دیر یاسین، و نیز تاسیس "دارالیتام" توسط لیندا ناصر و انجمن زنان عربی در شهر دیرالزور سوریه در سال ۱۹۵۹ اشاره کرد. علاوه بر این می توان از سمیحه خلیل به عنوان بارزترین و شاخص ترین فعال سیاسی فلسطینی نام برد که به برپایی موسساتی از جمله موسسه خیریه و اتحادیه زنان و... اقدام نمود (الخلیلی، ۱۹۷۶: ۱۴۱-۱۴۲). اتحادیه زنان در غزه به صورت شعبه ای به فعالیت اجتماعی ادامه داد که بعد از انتفاضه این فعالیت ها به سمت گسترش جمعیت و انجمن نهضت آزادی بخش پیش رفت. این دو موسسه زمینه ساز تشکیل جمعیت های خیریه جدید شد که به عنوان مثال می توان به کمیته اجرایی کنفرانس غزه در خصوص ارائه پناهندگی به آورگان با هدف گسترش مراکز فعالیت زنان در سال ۱۹۵۰ اشاره کرد (عبدالهادی، ۱۹۹۹: ۳۲). بعد از انتفاضه همراه با پیشروی تظاهرات و راهپیمایی ها در کشورهای عربی از جمله لبنان، اردن، سوریه و...، کشور فلسطین نیز با این تظاهرات همگام شد (الحوارانی، ۱۹۸۸: ۲۹۱) زنان فلسطین از این دست فعالیت های سیاسی بی نصیب نماندند و اقدام به تشکیل احزاب مختلف کردند که از جمله این تشکیلات می توان به حزب بعث، جنبش ملی و ناسیونالیستی، اشاره نمود (حمید، ۱۹۷۵: ۴۴-۴۵). البته در جایگاه مقایسه، فعالیت و حضور زنان در تظاهرات و پیشروی این گونه مشارکت های سیاسی نسبت به زنان سایر کشورهای عربی از جمله اردن از سطح وسیع تری برخوردار بود (پیت، ۱۹۹۹: ۱۶۰). در همین راستا، مشارکت سیاسی زنان نوار غزه نسبت به کرانه باختری فلسطین به دشواری صورت می گرفت که زنان کرانه برای اجرایی شدن فعالیت هایشان به اردن پیوستند و فعالیت زنان غزه نیز به سوی مصر و علی الخصوص جمال عبدالناصر و تشکیل برجسته ترین احزاب ایدئولوژیکی و قومی، گرایش یافت. سمیره سابا یکی از رهبران فعالان زنان غزه می باشد (ابوعمر و، ۱۹۸۷: ۴۵).

زنان فلسطین با تشکیل ائتلاف ها و همکاری با موسسات و سازمان های حقوقی بین المللی، رژیم صهیونیستی را تحت فشار قرار داده و از حقوق خودشان دفاع کردند که می توان سازمان

آزادی بخش فلسطین را نام برد که تنها بر حفظ هویت مستقل فلسطینیان اصرار و تاکید داشت (شریعت، ۱۳۷۹: ۲۳). اولین مجلس شورای ملی این سازمان در قدس با تصویب دو قطعنامه در رابطه با امور فعالیت زنان و با حضور ۱۰ عضو نماینده زن در مه ۱۹۴۸م تاسیس شد (علیان، ۱۹۸۷: ۱۵۸). موضوع این دو قطعنامه نیز در پیشبرد موقعیت سیاسی زنان موثر بوده است که مشتمل بر دو حوزه بود که عبارتند از: بالا بردن سطح سواد خانواده‌های شهدای فلسطین و شرکت زنان در تمامی قلمرو سیاست از جمله سازمان‌ها، ائتلافها، انجمن‌های سیاسی و همچنین تساوی حقوق زن و مرد در تمامی زمینه‌ها بوده است (عامر، ۲۰۰۷: ۶۰). تصویب این دو قطعنامه فرصت هر چه بیشتر مشارکت سیاسی زنان را در عرصه‌های مختلف بوجود آورد. این سازمان باعث شکل‌گیری نشستی در بیروت و تشکیل اتحادیه زنان عرب فلسطین با حضور "ودیعۀ الخریبیل" نماینده این اتحادیه به منظور متحد کردن ائتلاف‌ها در تمامی کشورهای عربی در سال ۱۹۶۳ شد (الوحیدی، ۱۹۸۶: ۱۱)، علاوه بر این، اتحادیه مذکور در کشور فلسطین به نشست‌های پی در پی برای اجرایی کردن و عملی شدن اهدافش در شهرهایی از قبیل نابلس، بیت لحم، بیت المقدس و البیره پرداخت (الغیمی، ۱۹۹۷: ۴۸). اولین کنفرانس این نشست‌ها در بیت المقدس با حضور ۱۲۹ نماینده به منظور بسیج کردن مبارزات و گسترش حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی برگزار شد (الوحیدی، ۱۹۸۵: ۱۱). این اتحادیه به تدریج با گسترش فعالیت‌هایش به «اتحادیه سازمان دهی فمینیستی» تغییر نام یافت (و کالۀ فلسطین برس، ۲۰۰۹: ۲۴، www.palpress.ps). انگیزه ملی، مسئله حیاتی موجودیت و تمامیت فلسطین و مبارزات و قیام‌های سازمان‌های مقاومت مردمی، الهام بخش فلسطینیان در مبارزات بود (علیان، ۱۹۸۷: ۱۵۸). که این امر در برجستگی نقش زنان در مجامع بین‌المللی از طریق مشارکت در کنفرانس‌های جهانی زنان موثر بوده است (الغیمی، ۱۹۹۰: ۴۸-۴۹).

مرحله دوم: جایگاه زنان در عرصه سیاست فلسطین

الف: مشارکت سیاسی

تأمل در دستاوردها و عملکردهای زن فلسطینی در طول دوره مقاومت حاکی از آن است که او همواره به منزله دیوار مستحکمی با اجرای وظایف چندگانه خود، در حفظ آرامش و انسجام خانواده، تحمل مصایب و حضور مستقیم در عرصه دفاع، حرکت انتفاضه را از آفاتی همچون یأس و ناامیدی محافظت نموده و روحی تازه در کالبد آن دمیده است تا علی‌رغم روش‌های خشونت‌آمیز اسرائیل، از ترور و کشتار گرفته تا تبعید و ویران کردن خانه‌ها، راه سخت و دشوار مبارزه را هموار سازد. زنان فلسطین همواره نقش مهمی در مقاومت برابر اشغال کشورشان از سوی صهیونیست‌ها داشته‌اند. آنها در متمرکز کردن شورش‌ها و حملات، با توزیع نشریه‌های سیاسی و شعارنویسی بر روی دیوارها نقش خود را ایفا می‌کردند (تراک، ۱، ۱۹۹۰، ۲۳). زنان فلسطین با تشکیل انواع اتحادیه‌ها، سندیکاها، کمیته‌ها و همچنین با برگزاری کنفرانس و انجام تحصن‌ها، عقاید خود را صریح‌تر از پیش ابراز می‌کردند (موسسه صوت المجتمع، ۱۹۹۹: ۶۵). تمامی این فعالیت‌ها از سوی زنان گاهی به صورت مخفی و سری و گاهی علنی و

آشکار صورت می گرفت. برگزاری راهپیمایی‌ها و تظاهرات از سوی زنان از دیگر تاکتیک‌های سیاسی آنان می‌بود (مرکزالمعلومات الوطنی الفلستینی، ۲۰۰۰: ۸۴) و آنان همچنان در مقابل شکنجه‌ها و آزار و اذیت‌های صهیونیستی مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند (الوحیدی، ۱۹۸۶: ۳۷)، مهمترین مورد در این خصوص، اعتراض زنان سیاه‌پوش به تشکیل نمایشگاه تجهیزات نظامی اسرائیل که در آوریل ۱۹۶۸ در اورشلیم برگزار شد، می‌باشد (الوحیدی، ۱۹۸۵: ۳۹). در این راستا و در حین برگزاری این تظاهرات زنان زیادی شهید و یا مجروح می‌شدند که وفادریس اولین زن شهادت طلب فلسطینی و عضو شاخه‌ی نظامی "فتح" است که با کشته و زخمی کردن ۹۱ اسرائیلی، وحشت زیادی در نیروهای دشمن ایجاد کرد (خطاب، ۲۰۰۳: ۱۱۱). زنان در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۹ در «کنیسه القیامه»^۱ به دلیل سیاست‌های اتخاذ شده صهیونیست‌ها علیه ساکنان کرانه باختری و نوار غزه تحصن کردند، در این اعتراض سکوت آمیز بیانه‌ای معترضان علیه مقامات رژیم صهیونیستی به دو زبان عربی و انگلیسی بین تجمع کنندگان برای اجرای خواسته‌های این کشور جهت کمک رسانی تمامی کشورهای جهان به این ملت، توزیع شد (کتاب، ۱۹۹۰: ۳۸۷). براساس این بیانه اوضاع مصیبت بار فلسطین برای زنان و کودکان فلسطین سخت گزارش می‌شود و خواستار ارائه کمک‌هایی از تمامی کشورهای جهان به این ملت می‌باشد. اعتراضات دیگر از سوی زنان در خصوص بازداشت شدگان و شکنجه آنان در زندان‌های رژیم غاصب از جمله زندان عسقلان در سال ۱۹۷۳ به بعد در شهرهای مختلف از جمله بیت‌المقدس و نابلس صورت می‌گرفت که در اجرای این اعتراضات جمع زیادی از دانشجویان دختر به شهادت رسیده یا در بند زندان‌های این رژیم گرفتار شدند (اسماعیل، ۲۰۰۱: ۱۲). اتحادیه زنان در این راستا با صدور قطعنامه‌هایی علیه توهین رژیم صهیونیسم به مقدسات و حریم شخصی مسلمانان از کشورهای عربی و اسلامی، سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر و یونسکو خواستار توقف حملات مذکور شدند (مرکز دراسات المرآة الجدیدة، ۱۹۹۵: ۶۰-۶۱).

در پی سفر انور سادات به بیت المقدس در اواخر سال ۱۹۷۷ و امضای قرارداد "کمپ دیوید" با رژیم اسرائیل و ایراد سخنرانی همراه با مناخیم بگین نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی (آزنسون، ۱۹۹۶: ۱۲۰)، تظاهرات گسترده‌ای از سوی زنان در شهرهای مختلف از جمله "البیره" و "رام الله" و "نوار غزه" صورت گرفت و متعاقب آن دلخراش ترین حملات از سوی نیروهای اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به نمازگزاران بیت المقدس صورت گرفت که سرباز صهیونیستی به نام ادلن فودمان به سوی حرم شلیک می‌کرد و تعداد چندی از افراد نمازگزار را زخمی یا زندانی یا به شهادت رساند که در پی آن تظاهرات گسترده‌ای از سوی زنان غزه و کرانه باختری انجام شد (عوکل، ۲۰۰۴: ۷۲). زنان برای ابراز وحدت با زندانیان سیاسی و اعتراض به کشتار اردو گاه‌های صبراء و شتیلاء، دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند که نتیجه آن شهادت زنان بسیاری مانند "لیندا نابلسی" و "الهام شهبازی" و "عزیزه حسین" و زخمی شدن عده‌ی دیگری بود. در شورش‌ها و حملات بزرگ در فاصله بین ۱۲ مارس تا ۱۲ آوریل ۱۹۸۲ شصت

۱. jerusalem

۲. کلیسای مقبره مقدس: نام یکی از اماکن مذهبی مسیحیان در شهر اورشلیم و در نزدیکی دره جلجتا قرار گرفته است.

۳. Azonson

تن از زنان مجروح و ۱۵۰ تن زندانی شدند (اسماعیل، ۲۰۰۱: ۱۲). با این حال زنان فلسطین با انجام چندین تظاهرات و تحصن فعالیت های خود را نمایان می کردند (مرکز الدراسات المرأة الجديده، ۱۹۹۵: ۶۰-۶۱) و می توان گفت که با سازمان های مختلف از جمله سازمان آزادی بخش، اتحادیه و کمیسیون زنان توانستند تاثیر فعالیت های خود را به جهان اسلام نشان دهند (احمد، ۲۰۰۸: ۱۰۲).

ب: فعالیت های نظامی

علیرغم عدم وجود و شکل گیری سازمان دولتی در درون جامعه فلسطین در طول سالهای ۹۸-۱۹۶۸ و به رغم وجود سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان کمیسیون اجرایی برای مردم فلسطین، اما همواره ملت فلسطین و بویژه زنان، مشارکت خود را در این دوره به اشکال مختلفی صورت می دادند که فعالیت های نظامی شامل آنها بود (الوحیدی، ۱۹۸۵: ۱۸). فعالیت های نظامی غالباً محدود به عملیات ذخیره سازی و انتقال تسلیحات می شد که در اکتبر ۱۹۶۷ "فاطمه برناوی" پس از کار گذاشتن بمبی در سینمای "تل آویو" بازداشت شد. در ۲۱ نوامبر ۱۹۶۷ "شديه ابو غزاله" هنگامی که در حال آماده سازی یک بمب زمان دار بود به شهادت رسید (جاد، ۲۰۰۴: ۱۴). در فوریه ۱۹۶۹ تعدادی از زنان بازداشت و به برنامه ریزی برای اجرای ۲ عملیات بزرگ نظامی همزمان متهم شدند. همچنین بسیاری از زنان هنگام انتقال اسلحه توقیف شدند، به عنوان نمونه می توان از "علبا طاها" نام برد که وی در حملات به ایستگاههای گشت اسرائیل با پرتاب کوکتل مولوتف و سنگ شرکت می کرد (عویضه، ۲۰۰۳: ۱۰۷-۱۰۸). در جولای ۱۹۶۸ زنان بسیاری در کرانه - باختری و نوار غزه به جرم کمک به مبارزان دستگیر و بازداشت شدند، از جمله می توان به "هری عبل هادی" و "علبا طاها" و "نوال طیتی" اشاره کرد (برنامج الامم المتحدۀ للتنمیة، ۲۰۰۳: ۱۰۳). مشارکت نظامی زنان فلسطین با استواری هر چه تمامتر، با توطئه ها و مقاصد خرابکارانه برای بیرون راندن دشمن از سرزمین خود و نادیده گرفتن حقوقشان، انجام می شد که می توان از لیلی خالد به عنوان برجسته ترین مبارز نظامی در طول مبارزات زنان فلسطین نام برد که همچنان به لقب "امیره الخاطفین" به دلیل ربودن هواپیمای بوینگ ۷۰۷ پرواز ۹۰۴ شرکت هوایی آمریکا، شهرت دارد. وی به عنوان اولین فرمانده زن جنبش آزادی بخش فلسطین برگزیده شد و به تدریج، فعالیت های سیاسی اش را گسترش داد که به صورت همزمان عضویت پارلمان فلسطین، مجمع عالی فلسطین، کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش فلسطین، اتحادیه سراسری زنان فلسطین را بر عهده دارد (حجاب، ۱۹۹۰: ۲۵۵).

مرحله سوم: نقش زنان در انتفاضه اول

انتفاضه یک "نه بزرگ" به راه حل های سیاسی بود که ثمری جز استحاله فرهنگ مبارزه و اضمحلال صفوف مبارزین به همراه نداشت و پاسخی متفاوت، برای نجات قدس و بیرون راندن اشغالگران صهیونیست به شمار می رفت. انتفاضه "رمی جمرات" جوانان و کودکان و مردمی بود که با سنگ اندازی به سوی دشمن، محو ظلم و استقرار عدالت را اراده می کردند و نقطه اوج آن در ۸ دسامبر ۱۹۸۷ و در پی افزایش خشونت و درگیری میان طرفین اسرائیلی و فلسطینی و اشغال بسیاری از مناطق فلسطینی توسط اسرائیل بود که شرایط بسیار سخت و دشواری برای هر دو گروه زنان و مردان فلسطینی

را در پی داشت (اسماعیل، ۲۰۰۱: ۸). از همان شروع انتفاضه، جنبش زنان فلسطین تصمیم به مشارکت در جریان انتفاضه و رهبری آن گرفت که با تظاهرات گسترده ای از مقابل مسجد اردوگاه جبالیاه راه اندازی شد. این اقدامات در مراحل بعدی با صدور بیانیه ی اعلام موجودیت از سوی جنبش مقاومت اسلامی "حماس" در ۱۳ دسامبر همان سال ادامه یافت و به تدریج تمامی شهرهای کرانه باختری و نوارغزه را در بر گرفت (عوکل، ۲۰۰۴: ۷۱).

اما بیش از هر چیز، آنچه که مهم است نقش زنان فلسطینی در انتفاضه و تاثیر آن بر روی این قشر از جامعه فلسطین می باشد. زنانی که با واقعیت خشونت بار و سرکوب کننده ی اشغال از سال ۱۹۶۷ به بعد زندگی کرده بودند و تنها با شروع انتفاضه مسجد الاقصی این شرایط ناگوار آنها رفته رفته آشکار شده و در معرض دید عموم قرار گرفته بود (دایره الاحصاء المرکزیه للفلسطینیة، ۱۹۹۸: ۱۶۲). در واقع حضور فعالانه زنان فلسطینی در عرصه مبارزه، به ویژه مشارکت آنها در تمامی عرصه های مربوط به انتفاضه موجب تمایز نقش زن فلسطینی از نقش هم‌تایان عرب او گردیده است. این در حالی است که نقش مهم و بارز زنان در انتفاضه آنچنان چشمگیر بوده که در این راستا آمارها در بین سالهای ۹۷-۱۹۸۷ این را نشان می دهد که حدود ۳۰٪ شهدا و مجروحان و حدود نیمی از زندانیان در بند اسرائیلیها را به خود اختصاص داده اند (تقریر المرأة والرجل فی فلسطین، ۱۹۹۹: ۴۰). همزمان با شکل گیری انتفاضه اول "انتفاضه الاقصی" نقش زن فلسطینی در تمامی انجمن ها، سازمان های دولتی و غیر دولتی آشکارتر شد و تنها هدف آنها از انجام این گونه مشارکت ها تاسیس سازمان هایی برای هماهنگ کردن اتحادیه های زنان با تمام جناح های متأسس خود به منظور تعیین حق سرنوشت و بازگشت به سرزمین های در بند صهیونیست می باشد (الصورانی، ۲۰۰۳: ۸)؛ اما با تشکیل کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ که با حمایت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی انجام شد. روند مبارزات مردمی و ساختار تشکیلات سازمان ها خود به خود کاهش یافت. در این کنفرانس که برای بررسی و خاموش ساختن آتش این انتفاضه و ایجاد سازش میان اعراب و اسرائیل صورت گرفت؛ اسرائیلیها، سازمان آزادی بخش فلسطین و همچنین کشورهای عربی از جمله سوریه و لبنان حضور داشتند. که با ارائه مذاکرات و برنامه های این کنفرانس، مبارزات فلسطین از جمله زنان کاهش پیدا کرد. اما با شکل گیری حکومت خودگردان مبارزات مردمی تجدید یافت (ربیع، ۱۹۹۵: ۱۵۰).

مرحله چهارم: موقعیت زن فلسطینی بعد از تشکیل حکومت خودگردان

ظهور و پیدایی حکومت خودگردان فلسطین تغییراتی را در مشارکت سیاسی زنان بوجود آورد، از جمله این تغییرات شکل گیری موسسات زنان متخصص و حرفه ای که بیشترین تلاش خود را بر مسائلی با ماهیت اجتماعی متمرکز کرده بودند و این موسسه را اوج شکل گیری حرکت زنان در فلسطین قلمداد می کنند. این مرحله را به شکل گیری موسسات تخصصی زنان فلسطین مستقل از جناح های فلسطین نام گذاری کرده اند و در واقع عملکرد آنان در این مرحله بر اساس مسائل اجتماعی زنان و گفت و گوها و مناظرات دموکراسی مربوط به مسائل مختلف می باشد. شکل گیری حکومت خودگردان فلسطین در

سال ۱۹۹۴ یکی از مراحل و گام های آزادی ملی و دموکراتیک است که در این حکومت مسائل آزادی و توسعه و خواسته های اجتماعی عموم مردم، استمرار مبارزات طولانی و دموکراتیک در اولویت قرار داشت (نزال، ۲۰۰۵: ۱۹). فعالیت های سازمان زنان بر مسائل اجتماعی و تقاضاها و خواسته های اجتماعی متمرکز بود و مسائلی چون "الجندر" را در اولویت فعالیت های خود قرار می داد؛ از جمله پیش نویس قانون اساسی فلسطین که با در نظر گرفتن اصل برابری زن و مرد نوشته شد. اتحادیه عمومی زنان فلسطین، از رئیس دولت خود گردان وقت، خواست برابری جنسیتی را یکی از اصول اولیه قانون قرار دهد. گروه های فعال زنان در سطح ملی و کشوری علاوه بر آگاه سازی زنان بر حقوق خود، استراتژی هایی را برای بهبود وضعیت در حوزه های آموزش، سلامت، کار و اقتصاد اجرا کردند که آثار آن در انتخابات ۱۹۹۶ آشکار شد. در انتخابات دور اول و دوم شورای قانون گذاری ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶ حضور زنان چشمگیر بوده و ۴۷ درصد کل رأی دهندگان را تشکیل دادند (جریده صوت النساء، ۲۰۰۴: ۳۵). در واقع با کنش های متقابل سیاسی و حل مسائل اصلی زنان در سطح ملی و کشوری لی زنان از جمله فقر، توسعه نیافتگی و آزار و اذیت زنان از سوی جامعه سروکار داشت (اسمائیل، ۲۰۰۱: ۸۰-۱۰۰). در این سازمان، زنان روابط دموکراسی مدرن با همه ارگانها و انجمن ها بوجود آوردند که این روابط امکان تغییر قوانینی که بین زنان و مردان تمیز قائل می شد یا از توانایی زنان کاسته یا موانعی را بر مسیر مشارکت سیاسی و فعال زنان در همه زمینه ها و عرصه های سیاسی و اجتماعی، قانونی، فرهنگی، انتخابات و... بوجود می آورد، فراهم کرد (سعید، ۱۹۹۹: ۴۴). اگرچه زنان در تمامی جنگ ها و مبارزات فلسطینی بصورت جدی و استوار فعالیت کرده اند اما در انتفاضه دوم مردم فلسطین که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ آغاز گردید، از نظر آزادی و تساوی حقوق دارای نقش متمایزی بودند. به گونه ای که زنان خود را از پشت جبهه به خط مقدم میدان مبارزه رسانده و شیوه های مبارزات خود را به سوی فعالیت های نظامی و استفاده از هواپیماهای جنگی پیش بردند؛ در واقع نوع مبارزات آنها چریکی، نظامی بود. زنان فلسطینی با سنگ های آتشین خود تانکهای صهیونیستی را هدف قرار می دادند تا جایی که به شهادت می رسیدند. در سال ۲۰۰۵ تعداد شهدای زن در غزه و کرانه باختری به ۹۶ تن رسید (المرکز فلسطینی لحقوق بشر، ۲۰۰۴: ۲۸)، تعداد زیادی از زنان فلسطینی زیان های مادی، معنوی، و جسمی را متحمل شدند و از تخریب خانه ها و زمین های کشاورزی شان توسط رژیم اسرائیل رنج می بردند. هیچ گاه مرحله ای که در آن زنان فلسطینی به شکل مسلح بر ضد اشغالگران صهیونیستی قیام کردند فراموش نمی شود. در دوره انتفاضه الاقصی شمار زیادی از زنان مبارز ملی، نظامی، وجود داشت که از جمله ی آنها می توان از: وفا ادیس نام برد که در عملیات شهدا در ژانویه ۲۰۰۲ شهید شد (الاشقر، ۲۰۰۴: ۱۳۶) و همچنین از آیات الأخرس، دارین ابو عشیه، هنادی جرادات، ریم ال ریاشی، زینب علی عیسی و... نام برد که در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۶ در عملیات نظامی مقاومت در برابر اشغالگران و نظامیان صهیونیستی در طول نوار شمال غزه قیام کرده بودند، می توان نام برد (الحویچی، ۲۰۰۷: ۱۶).

۱. تفکیک جنسیتی (Gender): قشر بندی جنسیتی که در آن نقش های مختلف جامعه مشاهده می شود.

بحث و نتیجه گیری

نهضت مردم فلسطین به طور کلی و زنان به طور اخص اهداف خاصی را به منظور ترویج و پیشرفت مشارکت سیاسی زنان در فلسطین دنبال می کرد. متحد کردن تلاش ها و همسو کردن فعالیت های گوناگون برای پرهیز از اختلاف های سیاسی میان سازمان های بزرگ و رجحان کیفیت بر کمیت هنگام ایجاد نهادها و تشکل های مختلف بخشی از این رویکرد می باشد. در واقع می توان بیان داشت که رخدادهای و وقایع در ابعاد گوناگون در فلسطین، عرصه وسیعی از مشارکت سیاسی زنان را در بر گرفته است که با توجه به محدودیت های غالب بر محیط فعالیت های سیاسی زنان، بسیاری از کنش های سیاسی موثر و تعیین کننده در انتفاضه فلسطین و جنبش های آزادی خواهانه آن را به خود متعلق ساخته است. با آغاز تهاجم رژیم صهیونیست، فلسطین در شرایط دشوار و پیچیده ای به سر می برد اما زنان به تدریج به عنوان گروه های وسیع در جنبش های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در قالب مبارزه کلی مشارکت نمودند و نقش و جایگاه خود را بیش از پیش نمایان تر کردند؛ زنانی که تا پیش از سال ۱۸۸۰ در عرصه های مختلف، مشارکت چندانی نداشته و یک قشر بی تأثیری بیش نبوده؛ سعی کردند اولین نشانه های آگاهی و فعالیت های سیاسی خود را با تخریب دهکده های صهیونیست نشین در سال ۱۸۸۴ نمایان کنند و سپس حضور خود در جنگ جهانی دوم و متعاقب آن پیمان «اسکایز- پایکت» و همچنین «بیانیه بالفور» در نوامبر ۱۹۱۷ را افزایش دهند. عملکرد زن فلسطینی طی انتفاضه بیانگر این امر می باشد که زنان مهمترین نقش را در عرصه سیاسی- نظامی ایفا کرده اند و در این عرصه با انجام چند عملیات استشهدادی در بیت المقدس در فاصله ماه های فوریه تا آوریل ۲۰۰۲ حضور خود را در مبارزات ملی و آزادی خواهانه نشان داده اند. همچنین با تشکیل انجمن ها، سازمان های حقوقی و توزیع نشریات فرهنگی سعی در ارتقاء جایگاه سیاسی- اجتماعی خود نمودند؛ که این امر دال بر بهبود و گسترش پارامتر مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان در فلسطین طی دوره مورد مطالعه می باشد. در واقع حضور فعالانه زنان فلسطینی در عرصه مبارزه، به ویژه مشارکت فعالانه آن ها در تمامی فعالیت های مربوط به انتفاضه موجب تمایز نقش زن فلسطینی از نقش هم تایان عرب غیر فلسطینی او گردیده است و این طبیعتاً به خاطر تفاوت در مسائلی است که با آن روبرو بوده اند. در حالی که خواسته های زن عرب خصوصاً در هزاره ی جدید، پیرامون مسئله آزادی در امور مختلف و داشتن حقوقی مساوی با مردان و بسیاری از مسائل دیگر محوریت می یابد، محور نگرانی های زن فلسطینی، مساله ملی و آزادی خواهانه ای می باشد که مهمترین آن ها مسئله اشغال و طنش است. همین امر باعث شده تا مسئله فلسطین که پیچیده ترین مساله موجود در تاریخ مبارزات ملی به شمار می آید در شکل گیری و هدایت اندیشه سیاسی زن فلسطینی سهیم باشد به گونه ای که اولویت اول در تربیت فرزندانش، آموختن عشق به وطن و چیرگی بر تنگدستی و دشواری های زندگی در خیمه ها و اردوگاهها بوده است.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۲). دانشنامه ی سیاسی، جلد نهم، تهران، چاپ مروارید.
- شریعت، محمدصادق (۱۳۷۹). قدس و قطعنامه های بین الملل، جلد اول، نشر سفید.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۰). ایران و مساله فلسطین، جلد دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- منابع عربی
- ابو عمرو، زیاد (۱۹۸۷). اصول الحركات السياسية في قطاع غزة، القدس، دار الأسوار، عكا.
- احمد، سماء سليمان السيد (۲۰۰۸). دور المنظمات الدولية في تفعيل الحقوق السياسية للمرأة، دراسة المقارنة لحالتی الامم المتحدة و الجامعة العربية (۲۰۰۶-۱۹۹۰)، معهد البحوث و الدراسات العربية جامعة الدول العربية، القاهرة.
- اسماعيل، دنيا الامل (۲۰۰۱). المرأة الفلسطينية من هزيمة ۱۹۶۷ الى ۱۹۸۷، مجلة روية، العدد التاسع، فلسطين، حزيران.
- الاشقر، اسماعيل (۲۰۰۴). المرأة الفلسطينية في دائرة الاستهداف الصهيوني، المركز العربية للبحوث و الدراسات، سلسلة انتفاضة الاقصى، العدد ۴.
- الحوراني، عبدالله (۱۹۸۸). الجمعيات الخيرية في الضفة الغربية و قطاع غزة، دار الكرمل للنشر، المرأة على طريق تحرير القدس، التوفيق للطباعة و النشر، عمان.
- الحويحي، عبدالله (۲۰۰۷). دور المرأة الفلسطينية في المقاومة، معهد البحوث و الدراسات العربية، قسم الدراسات السياسية، القاهرة
- الخليلي، غازي (۱۹۸۱). المرأة الفلسطينية و الثورة، دار السود للنشر، الطبعة الثانية، عكا، فلسطين.
- الخليلي، غازي (۱۹۷۶). المرأة الفلسطينية و الثورة ۱۹۶۸-۱۹۴۸، مجلة شؤون الفلسطينية، العدد ۶۰، بيروت
- الزبير، سيف الاسلام (۱۹۸۱). الخدمة الاعلامية للمرأة العربية «مجموعة أعمال ندوة الصحيفات العربية»، مطبوعات المركز العربي للدراسات الاعلامية، الجزائر.
- الصوراني، غازي (۲۰۰۳). دور المرأة الفلسطينية تاريخها الحديث والمعاصر، بحث غير منشور، الهيئة العامة للاستعلامات، غزة، فلسطين.
- الغنيمي، زينب (۱۹۹۷). المشاركة السياسية للمرأة الفلسطينية "بين الواقع والطموح"، مركز شؤون المرأة، غزة.
- الغنيمي، زينب (۱۹۹۰). تطور وضع المرأة الفلسطينية، مجلة شؤون فلسطينية، العدد ۲۱۰.
- المركز الفلسطيني لحقوق البشر (۲۰۰۴). نشرة المنطار، تصدر عن المصدر الفلسطيني في غزة.
- الوحيدى، ميسون عطارنة (۱۹۸۵). المرأة العربية في فلسطين "معاناة و نضال"، جامعة الدول العربية، القاهرة.
- الوحيدى، ميسون عطارنة (۱۹۸۶). المرأة الفلسطينية و الاحتلال الاسرائيلي، دار الجليل للنشر، عمان.
- برنامج الامم المتحدة للتنمية (۲۰۰۳). تديات و خيارات المرأة الفلسطينية في الضفة الغربية و قطاع غزة، دار المرأة العربية للنشر، القاهرة.
- تقرير المرأة و الرجل في فلسطين، مركز صوت النساء (۱۹۹۹).، المجلد للصحافة، العدد ۹۰.

- جاد، اصلاح (١٩٩٩). تطور الدور السياسي للمرأة الفلسطينية حتى الانتفاضة، مجلة شؤون المرأة، نابلس.
- جاد، اصلاح (٢٠٠٤). المرآة الفلسطينية و السياسية، بحث غير منشور، الهيئة العامة للاستعلامات، غزة، فلسطين
- جريدة صوت النساء (٣٠/١٢/٢٠٠٤). السنة الثامنة، العدد ٢٠٦، تصدر كل اسبوعين عن طاقم شؤون المرأة بغزة.
- حجاب، ناديه (١٩٩٠). المرأة العربية و دعوة التغيير، دارالرياض الرئيس للكتب والنشر، لندن.
- حميد، راشد (١٩٧٥). قرارات المجلس الوطني، مركز الابحاث الفلسطينية، بيروت.
- خطاب، نصيرة محمود (٢٠٠٣). الدور الجهادي للمرأة الفلسطينية، ندوة يوم القدس، نضال المرأة على طريق التحرير القدس، التوفيق للطباعة و النشر، عمان.
- دايرة الإحصاء المركزية الفلسطينية (١٩٩٨). احصاءات المرأة و الرجل، فلسطين، غزة.
- ربيع، ماجد على صالح (١٩٩٥). السياسة التعليمية الاسرائيلية و محاولة طمس الهوية الفلسطينية: الاستعمار الجديد في المنطقة العربية، رسالة دكتورا، جامعة القاهرة
- سعيد، نادر (١٩٩٩). ادوار النوع الاجتماعي " مفاهيم في الديمقراطية و الجندر و التربية "، مركز ابداع المعلم، فلسطين
- عامر، سميه (٢٠٠٧). دور المؤسسات البنوية في التخطيط التنموي في الرض الفلسطينية، رسالة ماجستير، كلية الدراسات العليا جامعة النجاح الوطني، فلسطين.
- عبدالهادي، فيحاء (١٩٩٩). المرأة الفلسطينية و الذاكرة؛ وزارة التخطيط و التعاون الدولي، فلسطين.
- عليان، محمد شحادة (١٩٨٧). الجانب الاجتماعي في الشعر الفلسطيني الحديث، دار الفكر و النشر و التوزيع، الطبعة الاولى، الاردن.
- عوكل، طلال (٢٠٠٤). المرأة و الحزب السياسي، مجلة تسامح، العدد الخامس، رام الله، فلسطين.
- عويضة، نهيل عادل (٢٠٠٣). الدور السياسي للمرأة من أجل دعم القضية الفلسطينية في كافة مراحلها، ندوة يوم القدس، نضال المرأة على طريق تحرير القدس، التوفيق للطباعة و النشر، عمان.
- كتاب، آيلين (١٩٩٠). مشاركة المرأة الفلسطينية، الطبعة الاولى، القدس، غير منشور.
- مركز الدراسات المرأة العربية الجديدة (١٩٩٥). الحركة النسائية العربية (تونس، فلسطين، مصر، السودان)، المرأة العربية في فلسطين معاناة و نضال، القاهرة.
- مركز المعلومات الوطني الفلسطيني (٢٠٠٠). المرأة الفلسطينية و الثورة الفلسطينية، دراسات و تقارير، الهيئة العامة للاستعلامات، غزة.
- مؤسسة صوت المجتمع (١٩٩٩). الحركة النسوية الفلسطينية " واقع و آفاق "، قسم الدراسات و الابحاث، غزة.
- نزال، ريم (٢٠٠٤). واقع المشاركة السياسية للمرأة الفلسطينية، مجلة تسامح، العدد الحادي العاشر، مركز رام الله للدراسات و حقوق الانسان، فلسطين

- azonson(1996); settlements and the Israeli- Palestinian negotiations: an over view(In statute for palestine studies; Washington).
- Peteet. (1999) Gender in Crisis – Women and the Resistance Movement – Colombia University Press, (New York).
- Tarak Lisa. (1990) Developomt Of Political Consciousness Among Palestinians in the Ocupied Territorie, (Praeger).
- www.palpress.ps/arabic/index.php?maa=readstory&channel,ID=5571724.5.2009 وكالة فلسطين برس

Archive of SID